





دانشگاه شهید چمران اهواز

۹۴۱۱۷۶۶

دانشگاه شهید چمران اهواز
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

عنوان:

بررسی مبانی فقهی حقوقی اهدا و استفاده اعضای محکومین به اعدام

نگارنده:

سهام مجدم

استاد راهنما:

دکتر محمدحسین گنجی

استاد مشاور:

دکتر خسرو نشان

شهریورماه ۱۳۹۴

باسمه تعالی

دانشگاه شهید چمران اهواز
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
(نتیجه ارزشیابی پایان نامه ارشد)

پایان نامه خانم سهام مجدم دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی
دانشکده الهیات و معارف اسلامی به شماره دانشجویی ۹۱۱۱۷۰۷
با عنوان :

« مبانی فقهی ، حقوقی اهداء و استفاده از اعضاء محکومان به اعدام »

جهت اخذ مدرک : کارشناسی ارشد در تاریخ : ۹۴/۰۶/۲۹ توسط هیأت داوران مورد ارزشیابی قرار گرفت و با
درجه **بسیار خوب** تصویب گردید.

۱. اعضای هیأت داوران :

استاد راهنما: دکتر محمد حسین گنجی

استاد مشاور: دکتر خسرو نشان

استاد داور: دکتر عبدالحسین رضایی راد

استاد داور: دکتر سید حسین آل طاها

نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر حسن دادخواه تهرانی

۲. مدیر گروه: دکتر سید حسین آل طاها

۳. معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر مینا شمخی

۴. مدیر تحصیلات تکمیلی دانشگاه: دکتر عبدالرحمان راسخ

رتبه علمی

دانشیار

استادیار

استادیار

استادیار

دانشیار

استادیار

استادیار

استاد

امضاء

گواهی صحت و اصالت

عنوان پایان‌نامه: مبانی فقهی، حقوقی اهداء و استفاده از اعضاء محکومان به اعدام

اینجانب سهام مجدم دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز به شماره دانشجویی ۹۱۱۱۷۰۷ تحت راهنمایی دکتر محمدحسین گنجی و مشاوره دکتر خسرو نشان، گواهی می‌دهم که:

۱- تحقیقات ارائه شده در این پایان‌نامه حاصل مطالعات علمی و عملی شخص اینجانب بوده و صحت و اصالت تمام مطالب مندرج در آن را تایید می‌کنم.

۲- در صورت استفاده از آثار دیگران، مشخصات کامل آن‌ها را در منابع ذکر نموده‌ام.

۳- تاکنون مطالب درج شده در این پایان‌نامه، توسط اینجانب یا شخص دیگری به منظور اخذ هر نوع مدرک یا امتیازی به هیچ مرجعی تسلیم نشده و بعد از این نیز نخواهد شد.

۴- در تدوین متن پایان‌نامه، شیوه‌نامه مصوب دانشکده را رعایت نموده‌ام.

۵- کلیه حقوق معنوی این اثر به دانشگاه شهید چمران تعلق داشته و مقالات مستخرج از آن، ذیل نام دانشگاه شهید چمران اهواز (university campus) به چاپ خواهد رسید.

۶- حقوق معنوی تمامی افرادی که در این پایان‌نامه تاثیرگذار بوده‌اند (اساتید راهنما و مشاور) در مقالات مستخرج از آن رعایت خواهد شد.

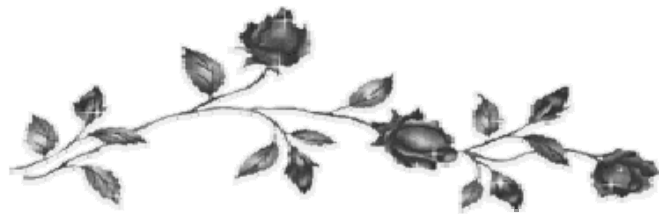
۷- در صورت استفاده از موجودات زنده یا بافت‌های آن‌ها، کلیه ضوابط و اصول اخلاقی مندرج در منشور موازین و اصول اخلاق پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رعایت شده است.

در صورت اثبات تخلف از مندرجات فوق، مسئولیت هر گونه پاسخگویی به اشخاص حقیقی و حقوقی و مراجع ذیصلاح بر عهده اینجانب بوده و دانشگاه شهید چمران هیچ مسئولیتی بر عهده نخواهد داشت. همچنین در صورت تضییع حقوق و منافع دانشگاه، حق پیگیری موضوع در مراجع ذیصلاح و اعمال قوانین مربوطه برای دانشگاه شهید چمران در حال و آینده محفوظ بوده و اینجانب مسئول پرداخت کلیه خسارات وارده خواهم بود.

نام و نام خانوادگی و امضای دانشجو: سهام مجدم

مالکیت نتایج و حق نشر

کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) به دانشگاه شهید چمران تعلق داشته و بدون اخذ اجازه کتبی از دانشگاه قابل واگذاری به غیر نیست. استفاده از اطلاعات و نتایج این پایان‌نامه بدون ذکر مرجع مجاز نیست.



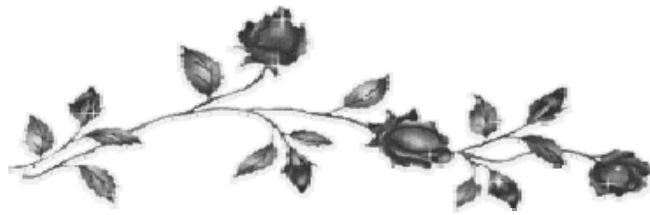
با احترام تقدیم به روح پاک مادر بزرگم،

تقدیم به پدر و مادرم برای تمام زحماتشان،

تقدیم به دکتر کنجی بابت راهنمایی‌های گرانبه‌اش،

تقدیم به آقای زهسیری بابت حمایت بی‌بدیشان،

تقدیم به خانم نوروزی بابت همه‌ی زحماتی که بابت به‌شمر نشستن‌ها کرده‌اند...



سپاسگزاری اول از خانواده ام به خصوص پدر و مادر عزیزم بابت همه زحمات و گذشت و
فداکاری هایشان، از استادان گرانقدر و همه ی کسانی که مرادبخارش این رساله یاری فرمودند...

چکیده فارسی

نام خانوادگی: مجدم	نام: سهام
عنوان پایان نامه: بررسی مبانی فقهی حقوقی اهدا و استفاده اعضای محکومین به اعدام	
استاد / اساتید راهنما: دکتر محمدحسین گنجی استاد / اساتید مشاور: دکتر خسرو نشان	
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته و گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی
محل تحصیل: دانشگاه شهیدچمران اهواز	دانشکده: الهیات و معارف اسلامی
تاریخ فارغ التحصیلی:	تعداد صفحات:
کلید واژه: اهدای اعضا، استفاده اعضای بدن، اعدام، محکومین به اعدام	
<p>چکیده:</p> <p>از جمله موضوعاتی که در عصر حاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، موضوع اهدای عضو است که در عرصه‌ی درمان، توجه بسیاری از پزشکان را به خود جلب کرده و همراه خود نگرانی‌های بسیاری را در سطح جامعه برانگیخته است. عدم وجود تعادل میان درخواست برای پیوند عضو و تعداد عضو آماده برای پیوند، مهم‌ترین علت این نگرانی‌ها می‌باشد که حقوقدانان و پزشکان را واداشته تا به دنبال راه‌حلی جهت این موضوع باشند. در این رساله، اهدا و استفاده از اعضای محکومین به اعدام به عنوان راه‌حلی جهت معالجه و درمان یا حداقل کمک جزئی به حل این مشکل، مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما آیا اهدای اعضای محکومین به اعدام، طبق فقه و قوانین جاری کشور می‌تواند جهت کاهش بیماران نیازمند عضو انجام گیرد. چیزی که واضح است این موضوع می‌تواند به دلیل حساسیت اهدا و استفاده اعضای انسان زنده و مرده و همچنین موضوع اعدام و فرد اعدامی، مخالفت‌ها و موافقت‌های زیادی را چه در حیطه‌ی فقهی و چه حقوقی به دنبال داشته باشد و هر کدام دلایل منطقی و شرعی خود را داشته باشند. این رساله به بررسی موضوع مزبور و آراء ابراز شده پیرامون آن از ناحیه فقها، و آسیب شناسی این راهکار پرداخته است.</p>	

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱: مقدمه	۲
۱-۲: بیان مسئله	۳
۱-۳: پرسش های تحقیق	۴
۱-۴: فرضیه های تحقیق	۵
۱-۵: اهداف	۵
۱-۶: روش اجرای تحقیق	۵
۱-۷: پیشینه موضوع	۶

فصل دوم: اهدای اعضاء

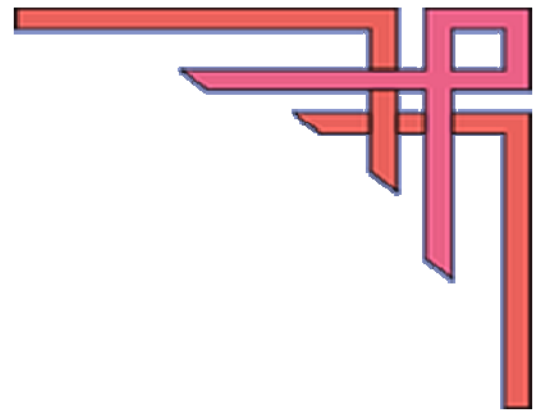
۲-۱: قانون پیوند اعضا	۸
۲-۲: پیوند عضو	۹
۲-۳: تاریخچه ی پیوند اعضا	۱۲
اولین پیوندها در جهان	۱۴
۲-۴: نظریه های فقهی اهدای عضو	۱۵
الف- پیوند عضو کافر به مسلمان	۱۸
۱- اقسام کافر	۱۸
۲- اقوال فقها	۱۸
دلایل قائلین به جواز:	۱۹
ب- پیوند عضو مسلمان به مسلمان	۲۰
۲-۵: شرایط اهدای عضو	۲۰
۲-۶: روش های پیوند اعضا:	۲۱
۲-۷: اهدای اعضای فرد مبتلا به مرگ مغزی	۲۲
نظریه ی فقها در مورد مرگ مغزی	۲۳

فصل سوم: اهدای اعضای محکومین به اعدام	۲۶
۳-۱: اعدام و اهدای اعضای معدومین	۲۷
۳-۲: آیا پیوند اعضا فقط شامل بیماران مبتلا به مرگ مغزی است؟	۳۵
۳-۳: بررسی اعدام در قصاص و سایر جرایم دیگر	۳۷
۳-۴: تخفیف عقوبت اعدام یا حبسهای طولی مدت به ازای اهدای عضو	۳۹
۳-۵: جواز وصیت به اهدای اعضا	۵۰
الف- عدم جواز وصیت	۵۱
ب- جواز وصیت:	۵۵
۳-۶: نقش ولایت در جواز برداشت عضو	۶۰
الف- نفوذ اذن و اجازه ولی	۶۰
ب- عدم نفوذ اذن و اجازه ولی	۶۲
۳-۷: خرید و فروش اعضای بدن	۶۴
الف - استدلال دیدگاه عدم جواز فروش	۶۵
ب- استدلال دیدگاه جواز فروش	۶۸
۱- استناد به اصل عملی	۶۸
۲- مالک بودن انسان	۶۹
استفتائات	۷۱

فصل چهارم: استفاده از اعضای بدن محکومین به اعدام

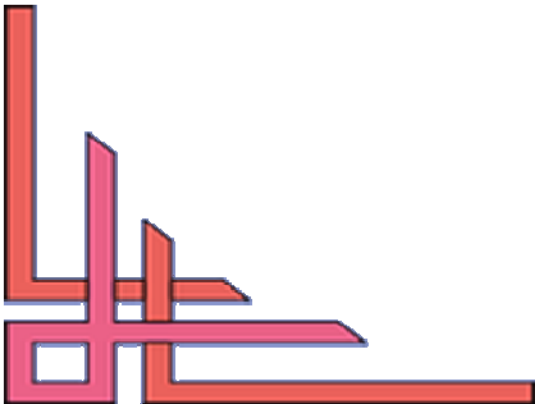
۴-۱: برداشت اعضای میت	۷۶
الف: دلایل عدم جواز برداشت اعضا از میت	۷۷
ب: دلایل جواز به برداشت عضو از میت	۷۹
۴-۲: اذن جهت قطع و برداشت اعضای بدن	۸۳
۴-۳: ولایت فقیه و احکام حکومتی:	۸۵
۴-۴: دیه قطع و برداشت اعضای بدن متوفی	۸۹
۴-۵: دیه به چه کسی یا کسانی تعلق می گیرد؟	۹۱
۴-۶: خطرات احتمالی و آسیب شناسی استفاده از اعضای محکومین به اعدام	۹۲
راهکارهای پیشنهادی در رابطه با این موضوع	۹۹

الف-کاهش حکم به اعدام:	۹۹
ب-کنترل صدور احکام اعدام	۱۰۰
ت-نظارت بیش از یک قاضی به جای قاضی واحد بر پرونده‌ها و صدور حکم	۱۰۲
ث-استفاده از راهکارهای جدید جهت پیوند اعضا	۱۰۲
استفتائات:.....	۱۰۷
فهرست منابع	۱۱۹



فصل اول:

کلیات و مفاهیم



۱-۱: مقدمه

در زمانه‌ای که شاهد پیشرفت‌های زیاد و وسیعی در زمینه پزشکی به خصوص در مقوله‌ی اهدای اعضای بدن انسان هستیم، باید توجه داشته باشیم که حدود و چارچوب‌های این تصرف نیز شناخته شده و قوانینی در جهت کنترل آن، وضع شده باشد. با توجه به اهمیت موضوع تصرف در جسم بشری چه از نظر کیان مادی چه معنوی، و جنبه‌های مختلفی که این موضوع دارد، باید فقها و قانونگذاران با توجه به نیازهای زمانه و پیشرفت‌های چشم‌گیر پزشکی، بتوانند با توجه به قواعد و اصول فقهی و دینی، قوانینی را در این راستا وضع و تصویب نمایند که پاسخگوی نیازهای انسان این عصر باشد.

با توجه به این که حرمت جسم مرده و متوفی، به همان اندازه‌ی حرمت و احترام جسم انسان زنده است، با مسائل و مشکلاتی در جهت پیوند و برداشت اعضا از اجسام مردگان و بیماران مرگ مغزی مواجه خواهیم شد. به دلیل فراگیر نشدن فرهنگ پیوند اعضا و روحیه‌ی از خود گذشتگی در بین مردم جامعه، و نیاندیشیدن قانونگذار جهت راهکارهایی برای رفع مشکلات پیوند اعضا، شاهد این هستیم که تعداد زیادی افراد بیمار نیازمند عضو، به دلیل نبود اعضای جهت پیوند، جان خود را از دست می‌دهند. مشکلاتی که در این راه با آن مواجه می‌شویم، ما را وادار می‌سازد که به دنبال راهکارهایی جدیدی برای حل آن‌ها باشیم تا آسایش و تعالی جسم و جان انسان در کنار هم تأمین شود و این امر وابسته به حاکمیت دستورها و قوانین الهی بر تمام عرصه‌های زندگی انسان است. زیرا وقتی که دستورها و قوانین الهی در کنار علوم دیگر باشد و استفاده از این علوم، با نظارت و کنترل آن‌ها صورت بگیرد، انسان و جامعه‌ی انسانی را از لغزش مصون نگه می‌دارد.

در رابطه با اهدا و پیوند عضو، علم پزشکی پیشرفت‌های حائز اهمیتی را پشت سر گذاشته است که مستلزم تصرف در جسم انسان زنده و مرده می‌باشد. اگر فقه و قانون برای حل نمودن مشکلات، روشن نمودن ابهامات و نشان دادن صحیح مسیر، جهت بهره برداری از این علم، اقداماتی انجام ندهد و آن را از همهی جوانب بررسی ننماید، مطمئناً این علم به جای اینکه مفید بشر و در راه سعادت و تعالی زندگی او به کار گرفته شود باعث از بین رفتن ارزش‌های انسانی، ایجاد هرج و مرج، دستبرد به جسم انسان، بی‌امنیتی، و . . . خواهد شد. در این رساله به دنبال بررسی اهدا و استفاده‌ی اعضای محکومین به اعدام، به عنوان راه حلی جهت کمک به مشکلات و مسائل پیوند اعضا هستیم. و مسلماً باید از نظر فقه و قانون به عنوان صاحب نظر اصلی درباره‌ی این گونه موضوعات، مورد بررسی و تحقیق صورت گیرد.

۲-۱: بیان مسئله

موضوع پیوند اعضا از جمله موضوعات حساس، پر ابعاد و متحول دنیای پزشکی است و به همین دلیل پرسش‌ها و ابهامات مختلفی در ابعاد گوناگون آن از حیث پزشکی، اخلاقی، مذهبی، حقوقی و اقتصادی مطرح می‌شود. اگرچه پیوند اعضا در ایران کم سابقه نیست اما با توجه به جوان بودن این دانش جدید، در کشور ما نیز همچون سایر کشورهای دیگر در زمره‌ی مباحث مناقشه برانگیز در ابعاد پزشکی، حقوقی، و اخلاقی باقی مانده است.

پیوند اعضا یکی از جدیدترین شیوه‌های درمانی است که برای بیماران لاعلاج و درمان ناپذیر به کار برده می‌شود؛ بیمارانی که به واسطه‌ی ابتلا به بیماری‌هایی نظیر نارسایی کلیه، قلب، سیروز کبد، آسیب دیدن چشم‌ها و . . . راهی جز پیوند اعضای سالم دیگری به جای عضو بیمار خود ندارند.

منابع عمده‌ی تأمین این پیوندهای عضو، اعضای انسان زنده و نیز اجساد انسانی هستند که قابلیت استفاده و پیوند را داشته باشند. با این همه امروزه بیشتر پیوندهای اعضا از افراد مبتلا به مرگ مغزی گرفته می‌شود که در این وضعیت می‌توان از پانکراس (لوزالمعده)، کبد، قلب، کلیه، قرنیه و . . . آن‌ها استفاده نمود. زیرا اعضای این افراد برعکس اعضای انسان میت، هنوز کارایی و قابلیت‌های خود را از دست نداده‌اند.

اما با توجه به نیاز زیاد پیوند اعضا، تنها بیماران مرگ مغزی-با توجه به اینکه همه‌ی این بیماران اعضای خود را اهدا نمی‌کنند- نمی‌توانند جوابگوی کمبود اعضا جهت پیوند باشند. این گونه مشکلات باعث می‌شود این امر در ذهن متبادر شود که آیا با توجه به شرایط و ضوابط اهدای عضو در کشور، پیوند و استفاده از اعضای بدن محکومین به اعدام، می‌تواند راهکار مناسبی برای کاهش بیماران نیازمند عضو در کشور باشد. بنابراین به عنوان موضوعی فقهی و حقوقی که ابعاد مختلفی از قبیل اجتماعی، فرهنگی، عاطفی، فقهی و حقوقی دارد، توضیح و تبیین جوانب و ابعاد آن امری ضروری است. این موضوع از یک سو نجات جان انسانی را به همراه دارد و از سوی دیگر موجب تصرف در جسم انسانی دیگر که دارای شرایط خاصی نیز می‌باشد، می‌شود.

۳-۱: پرسش‌های تحقیق

۱- آیا اهدا و استفاده‌ی اعضای محکومین به اعدام، از نظر فقهی و حقوقی منافاتی با قوانین پیوند

اعضا در کشور دارد؟

۲- آیا وصیت فرد برای اهدای اعضا و خرید و فروش آن‌ها، پس از مرگ و اجرای حکم اعدام

ممکن می‌باشد؟

۳- آیا عقوبت اعدام به ازای اهدای اعضا، برای فرد محکوم به اعدام، قابل جایگزینی به عقوبت

کمتری و تخفیف عقوبت می باشد؟

۴- با استناد به قاعده‌ی حکومت و ولایت فقیه، می توان در صورت نبود اذن فرد محکوم و ولی

او، از اعضای او استفاده کرد؟

۴-۱: فرضیه های تحقیق

۱- پیوند عضو اختصاص به کسانی که مرگ مغزی شده اند ندارد و شامل افراد دیگری که شرایط

اهدای عضو را داشته باشند نیز میشود.

۲- تصرف انسان زنده در اعضای بدن خویش در محدوده‌ی عقل و شرع جایز است.

۳- تخفیف عقوبت اعدام به حبس یا عقوبت دیگر، بر اساس موازین فقهی حقوقی جایز می باشد.

۴- استفاده از اعضای مردگان با حکم ولی فقیه یا حاکم شرع اگر مشکلات و هرج و مرج هایی

را به دنبال نداشته باشد جایز است.

۵-۱: اهداف:

اهداف این رساله پرداختن به سؤالات فوق الذکر و مشابه آن‌ها و کوشش در جهت تبیین و یافتن

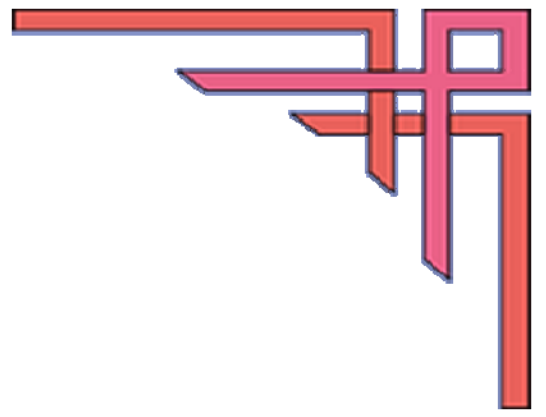
پاسخ آن‌هاست.

۶-۱: روش اجرای تحقیق

روش تحقیق این رساله توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد

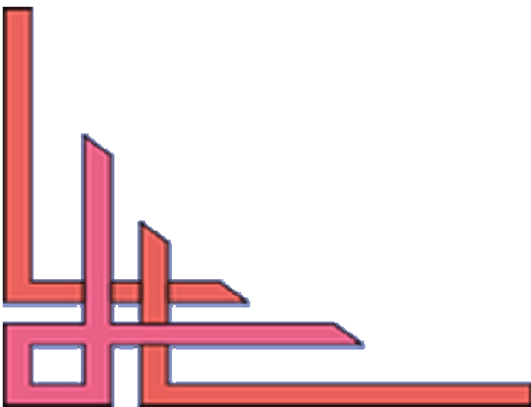
۷-۱: پیشنهاد موضوع

متأسفانه تاکنون کتابی با این عنوان و در مورد موضوع تحقیق، تألیف نشده است. روزنامه‌ی ایران با انتشار گزارشی درباره‌ی اهدای اعضای محکومان به اعدام با عنوان «یک پرسش نجات بخش درباره‌ی اهدای عضو» این بحث را در رسانه‌ها باز کرد و در آن نظر چند حقوقدان و کارشناس را درباره‌ی امکان اجرای چنین پیشنهادی پرسید. به تبع آن استفتائاتی از مراجع عظام درباره‌ی این موضوع انجام گرفت. مقاله‌ی با عنوان «اهدای اعضا پس از اجرای قصاص و حدود از دیدگاه فقه و حقوق پزشکی» به اختصار به این موضوع اشاره داشته است. همچنین پایان‌نامه‌ی درباره‌ی این موضوع با عنوان «بررسی فقهی حقوقی اهداء اعضاء حیاتی محکومین به اعدام و افراد مبتلا به مرگ مغزی» تألیف شده است



فصل دوم:

اهدای اعضا،



۱-۲: قانون پیوند اعضا

چیزی که واضح و روشن است این است که مسأله پیوند اعضا در جامعه‌ی ما شکل شرعی به خود گرفته و با فتوای حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و سایر مراجع عظام شیعه، برداشت عضو از مردگان مغزی و همچنین افراد زنده به منظور نجات جان بیماران رونق یافته است. همچنین مجلس ششم، به منظور قانونی کردن فتوای حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و دیگر مراجع عظام، طرح مرگ مغزی و پیوند اعضای بیماران فوت شده را در دستور کار خود قرار داد و در جلسه‌ی علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ کلیات آن را تحت عنوان «قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است» مشتمل بر یک ماده واحده و سه تبصره به تصویب رساند و مورد تأیید شورای اسلامی و شورای نگهبان نیز واقع گردید.

ماده واحده: بیمارستان‌های مجهز برای پیوند اعضا پس از کسب اجازه‌ی کتبی از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی می‌توانند از اعضای سالم بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان بر طبق نظر کارشناسان خبره مسلم باشد، به شرط وصیت بیمار یا موافقت ولی میت جهت پیوند به بیمارانی که ادامه حیاتشان به پیوند عضو یا اعضای فوق بستگی دارد، استفاده نمایند.

تبصره یک: تشخیص مرگ مغزی توسط کارشناسان خبره در بیمارستان‌های مجهز دانشگاه‌های دولتی صورت می‌گیرد. این کارشناسان با حکم وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به مدت چهار سال منصوب می‌شوند.

تبصره دو: اعضای تیم‌های تشخیص مرگ مغزی نبایستی عضویت تیم‌های پیوندکننده را داشته

باشند.

تبصره سه: پزشکان عضو تیم از جهت جراحات وارده بر میت مشمول دیه نخواهند گردید.

۲-۲. پیوند عضو

هنگامی که خداوند انسان را به بهترین و کامل‌ترین صورت آفرید و این آفرینش را نیکو داشت و آن را قوام بخشید به فرشتگان فرمود: «فَأَذَا سَوْتِيَه وَ نَفْحَتْ فِيَه مِنْ رُوْحِي فَقَعُوا لَه سَاجِدِيْنَ»^۱. پس چون او را استوار پردازم و در آن از روح خود دمیدم برای او به سجده در افتید.^۲

آفریدن با بهترین صورت و نظام این شایستگی را داشت که خداوند به آن قسم بخورد: «و التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ. وَ طَوْرٍ سَنِيْنَ. وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِيْنِ، لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَعْحَسَنِ تَقْوِيْمٍ»^۳. سوگند به سرزمین قدسی انجیر و زیتون، سوگند به طور سینا. سوگند به این شهر امن. به راستی که انسان را در بهترین قوام آفریدیم.

و نیز بر انسان با قول و فرموده‌ی خود منت نهد: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيْمِ. الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ»^۴. ای انسان چه چیزی تو را در حق پروردگار بخشنده ات غرّه کرد؟ همان که تو را آفرید و استوار کرد و متعادل ساخت.

انسان این اعتدال و انتظام را درک نخواهد کرد مگر هنگامی که در یکی از اعضای بدنش نقصی بوجود آید و به دنبال دوا و شفا بشتابد. یکی از نعمت‌های خداوند بر انسان از انواع معالجه و درمان

۱- ص ۱۷۲

۲- قران کریم، ترجمه از بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ گلشن، انتشارات دوستان، چاپ ششم، زمستان ۱۳۸۶. (تمام ترجمه‌های آیات از خرمشاهی می‌باشد)

۳- تین / ۴-۱

۴- انفطار / ۷-۶

«اهدا و استفاده‌ی اعضای بدن» می‌باشد. درمانی که پزشک برای معالجه‌ی بیماران زیادی، نیازمند آن می‌باشد.

پیشرفت پزشکی در این عصر باعث ایجاد جدال علمی درباره‌ی مشروعیت تصرف در جسم انسان است، به خصوص با وجود موفقیت‌های پی در پی که در عمل‌های اهدای عضو که از فرد سالم به فرد مریض صورت می‌گیرد مانند پیوند قرنیه، کاشت مو، پیوند کلیه، قلب و . . . و دیگر پیوندهای اعضای بدن. این عمل‌های پیوند عضو، احتمال تصرف‌های غیر قانونی و خطر آفرین در جسم انسان زنده و مرده را پدید می‌آورد. وجود چنین تصرف‌های خطرناکی باعث شده است که قانون در تلاش باشد که حدود تصرف و دسترسی به جسم انسان را تبیین و حتی خود صاحب جسم را از تصرف آزادانه منع می‌نماید، زیرا ممکن است این تصرف هم برای خود فرد و هم برای جامعه باعث ایجاد خطر شود. به همین دلیل است که قانون، جهت حمایت و توقف هر گونه اعتدا و تعرض از سوی دیگران بر جسم انسان، باید مسائل و پدیده‌های جدید را توضیح و تبیین و حل و فصل نماید. موفقیت‌های زیادی که عمل‌های پیوند اعضا پشت سر گذاشته است باعث می‌شود بحث مشروعیت تصرف انسان در اعضای بدن خود نیز باعث بالا رفتن آن می‌شود.

امروزه اهدا و پیوند عضو از نظر فقها مقبولیت شرعی و قانونی دارد، زیرا تاکنون پیشرفت‌های بزرگی در راستای پیوند اعضا از فرد زنده یا مرده به فرد بیمار نیازمند عضو، صورت گرفته است. اما باید توجه داشت که این تصرف در جسم انسان چه محدودیت‌هایی دارد؟ انسان تا کجا می‌تواند در مسیر این مشروعیت تصرف برود؟ چه موانع و مشکلاتی در پیش رو دارد؟ در ادامه به تفصیل بحث می‌پردازیم.